

با خصوصی سازی نمی توان بیمه را توسعه داد

ضیاء رفیعیان

چنین عنوان می شود که بخش خصوصی موجب توسعه بیمه می شود به سخن دیگر چون بیمه ساختار دولتی دارد توسعه نیافته است. پس علت عدم توسعه بیمه، دولتی بودن آن است و اگر این علت برطرف شود بیمه توسعه می یابد. واقعا بگانه علت عدم توسعه بیمه در ایران همین علت است؟ آیا با تاسیس شرکت های بیمه خصوصی این مساله حل می شود؟ آیا جز شرکت های بیمه دولتی که به زعم بعضی علت بازدارنده توسعه است علت دیگری هم برای عدم توسعه بیمه وجود دارد؟ کدام علت قوی تر و تاثیرگذارتر هستند؟ در این نوشته سعی می کنیم به این پرسش ها پاسخ بدهیم.

۱- توسعه بیمه هم دوش توسعه اقتصادی است، به این معنی که توسعه بیمه در گرو توسعه اقتصادی می باشد و معلول آن است نه عامل، در یک بازار پر رونق اقتصادی است که تولیدکنندگان و بازرگانان و اقشار مختلف مردم با این برداشت که بیمه یک نیاز مبرم است برای تحصیل بیمه به شرکت های بیمه روی می آورند. تصور می رود مشاهدات یا اطلاعات ما در این باره به قدری است که نیاز به برهان ندارد. اگر در ژاپن یا مالزی یا اندونزی بیمه توسعه یافته آیا جز این است که شکوفایی اقتصادی مکن و امکانات مادی منشا این توسعه بوده است. درست است که بیمه با اینکه در بدو امر و در نخستین جهش معلول توسعه اقتصادی است ولی در مراحل بعد و پس از استقرار پایه های اقتصاد، در توسعه اقتصادی تاثیر گذار است و به عوامل اقتصادی جرات و جسارت خطر کردن را (خطری که بیمه می شود) می دهد.

اساسا آنچه بیمه گذاران بالقوه را به سوی بیمه رهنمون می شود و علاقه و اشتیاق در آنها به وجود می آورد همان طور که اشاره شد نیاز به تامین است. کیفیت خدمات بیمه گران اعم از دولتی و یا خصوصی در مقام رقابت در جلب مشتریان موثر است. ولی این تاثیر بخشی بعد از مرحله ورود به توسعه اقتصادی رخ می نماید.

۲- گاه استدلال می شود که چون نسبت حق بیمه به درآمد ملی در ایران حدود ۷۲ صدم درصد است و از حد استاندارد جهانی که حدود ۳ درصد است بسیار پایین تر است می توان چنین نتیجه گرفت که شرکت های بیمه دولتی نتوانسته اند یا نخواسته اند که گام های بلندی برای توسعه بیمه و جلب مشتریان بردارند و فعالیت های بیمه ای در سطح نازل باقی مانده است. برپایه این استدلال و یا بیان این مقدمه، اظهار نین می شود که راه علاج این واقعه تاسیس شرکت های بیمه خصوصی است و شاه کلید توسعه بیمه در ایران در این امر خلاصه می شود. فعلا وارد این بحث نمی شویم که از آن مقدمه این نتیجه عاید می شود یا نه، فعلا می خواهیم بدانیم مقایسه نسبت حق بیمه در ایران با کشورهای صنعتی و یا با متوسط نسبت جهانی درست است یا نادرست، حق بیمه تابعی است از درآمد ملی و درآمد سرانه که هر دو تابع توسعه و روند اقتصادی و به کارگیری تکنولوژی است.

در کشوری که اکثریت مردم آن با زحمت می توانند حداقل معاش ضروری خود را تامین کنند و بیه حاکم اضطراب هر هسزینه ای را که امکان گذشت از آن باشد از برنامه معاش خود حذف می کنند، چگونه می توانند قسمتی از درآمد خود را به تأمین حق بیمه های پوشش های بیمه ای اختصاص دهند؟ نمی توان گفت که چون درآمد ملی یک کشور مثلا یک دهم درآمد ملی کشور دیگری است باید حق بیمه اولی برابر یک دهم حق بیمه دومی باشد. این نتیجه گیری خطا و دور از واقعیت امر است. بسا بدید توزیع درآمد ملی چگونه است، چه میزان از درآمد ملی به سرمایه گذاری برای تولید و اشتغال به کار گرفته می شود. سمت و سوی سرمایه ها چیست؟ بیش تر در جهت زودن فیس و منافع و خدمات

اجتماعی روانی می شود یا منافع آبی صاحبان سرمایه را تامین می کند. آیا صاحبان سرمایه در بخش خصوصی چشم به جایی دوخته اند که حداکثر سود را برای آنها تامین کند. اعم از اینکه مولد باشد یا نباشد یا دلبرانه و سخاوتمندانه، در رتبه اول منافع و مصالح اجتماعی را قرار می دهند و دل به حال بینسوا بیان جامعه می سوزانند و به سود اندک قناعت می کنند؟

۳- شرکت های خصوصی بیمه چه می توانند کرد تا بیمه رونق یابد و آستانه آنها مامن بیمه گذاران شود؟ لاید پاسخ این است که این شرکت ها روابطی پسندیده با بیمه گذاران برقرار می کنند خسارات را به موقع پرداخت کرده و از کار فرو بسته آنها گره گشایی می نمایند و صرفا بر ضوابط خشک تکیه نمی کنند. اگر مشاهدات ما گواهی دهد که قوه مقننه و دستگاه اجرایی کشور کوشش کرده اند که نوعی از بیمه مسوولیت فرآگیر شود و بیمه گران دولتی هم لاف در این نوع بیمه همه این تدابیر را به کار بسته اند و نیاز هم نتیجه مطلوب حاصل نشده است این امر گواه این نیست که اساسا مشکلات در جای دیگری است نه در دولتی یا خصوصی بودن بیمه؟

- قانونی داریم که به موجب آن وسایل نقلیه موتوری موظف هستند وسایل خود را در مقابل خساراتی که ممکن است در اثر به کارگیری آن وسایل به اشخاص ثالث وارد شود بیمه کنند.

- ضمانت اجرایی در نظر گرفته شده و مقرر شده که ماموران راهنمایی و رانندگی کسانی را که دارای بیمه به نفع ثالث نیستند جریمه کنند.

- نمایندگان و کارگزاران بیمه که سهمی از حق بیمه ها به عنوان کارمزد به آنها تعلق می گیرد در حد توان کوشش کرده اند که مالکان وسایل نقلیه را تشویق و ترغیب کنند که برای آن وسایل بیمه به نفع ثالث به دست آورند.

- بیمه گران با سرعت و تسهیلات مناسب در حد مقدور نسبت به پرداخت خسارات جانی و مالی وارد به زیان دیدگان اقدام کرده اند خاصه با توجه به رقابت شدیدی که برای جلب مشتری بین شرکت های بیمه برقرار است اصل را بر حسن نیت بیمه گذاران و اشخاص ثالث قرار داده و قرائن و شواهد خلاف را نادیده گرفته و در پرداخت خسارات گشاده دستی کرده اند تا آنجا که در مجموع در این رشته بیمه متضرر شده اند.

- دادگاه هایی که به خسارات جانی ناشی از وسایل رانندگی رسیدگی می کنند با توجه به مقررات مندرج در قانون جزای اسلامی در خصوص بیات، متخلفان را به مطالب سنگینی که در بیشتر موارد پرداخت آن از حدود توان آنها خارج است محکوم می کنند، وضعی که در صورت بسیمه نداشتن متهم زندگی او را در آشفتگی و تاریکی فرو می برد. با وجود این همه چاره اندیشی ها و جهت گیری ها و اقدامات بینیم نتیجه از چه قرار بوده است؟

از مجموع حدود ۵/۵۰۰/۰۰۰ وسیله نقلیه که در ایران وجود دارد، حدود ۳/۰۰۰/۰۰۰ مورد دارای بیمه به نفع ثالث هستند.

به طور متوسط در یک سال حدود ۴۰۰/۰۰۰ تصادف داشته ایم که با فرض تساوی نسبت، سهم وسایل نقلیه بیمه نشده حدود ۳۴ درصد تصادفات است. اگر بنا به علل متعدد و مسائل پیچیده اجتماعی و اقتصادی وضع چنین بیمه ای بدینگونه باشد، در مورد سایر انواع بیمه چه انتظاری می توان داشت؟

بیمه نکردن وسایل نقلیه در قبال خسارات وارد به اشخاص ثالث از بی اطلاعی و عدم وقوف به عواقب کار نیست. امروز همه رانندگان و مالکان می دانند که خسارات وارد به اشخاص ثالث خاصه خسارات بدنی، برای مسوول، در بسیاری از موارد سنگین و طاقت فرسا است و آگاه هستند که در رانندگی در هر زمان احتمال وقوع حادثه وجود دارد و واقف هستند که شرکت های بیمه دولتی خسارات را اعم از مالی و بدنی بدون تعلل پرداخت

می کنند، الزام قانونی و تعقیب قضایی هم وجود دارد. بنابراین بیمه نبودن نزدیک به نیمی از وسایط نقلیه چه علی دارد؟

۴ - گفتیم که مشکل عدم توسعه بیمه، مربوط به خصوصی یا دولتی بودن شرکت های بیمه نیست اینک با نگاهی به رشته دیگری از بیمه یعنی بیمه عمر به شرط حیات که در کشورهای صنعتی از رشد و توسعه بسیاری برخوردار است موضوع را بررسی می کنیم.

بیمه گذاران بیمه عمر به شرط حیات به حق دو انتظار دارند: نخست اینکه در قرارداد بیمه نقش تورم حذف شود و دوم اینکه سرمایه ای که در پایان مدت بیمه گر پرداخت می کند تا میزان قابل قبولی بیش از حق بیمه های پرداخت شده باشد. بنا وجود اینکه شرکت های بیمه دولتی در حد مقدور سعی کرده اند که دو انتظار برآورده شود، تورم و اوضاع اقتصادی به گونه ای است که این بیمه با وجود جذابیت بسط و شیوع نیافته است.

واقع امر این است که اقلیتی که توانایی پرداخت حق بیمه این نوع بیمه را دارند، در امور دیگری که سود بیش تری داشته باشد و سرمایه و سود زودتر به دست آید سرمایه گذاری می کنند و اکثریت توانایی پرداخت حق بیمه را ندارند. کسانی هم که سرمایه اندکی دارند به خرید و فروش اتموبیل یا موبایل و امثالهم می پردازند.

در توسعه این بیمه بخش خصوصی چه نقش اضافی می تواند داشته باشد؟ اگر بخواند خدمت بیش تری به عهده گیرد باید بر میزان سود و شرکت در منافع بیافزاید این امر مستلزم این است که شرکت های بیمه خصوصی بتوانند در جاهایی سرمایه گذاری کنند که سود بالایی داشته باشد، به عبارت دیگر در کارهای دلالی و وام دادن با بهره زیاد وارد شوند، آنچه قطعاً مطلوب و پسندیده نیست.

دو نمونه ای که یاد شد روشنگر این واقعیت است که علل اقتصادی و اجتماعی در کار توسعه بیمه موثر و کارساز هستند و توسعه بیمه در گرو ایجاد بخش خصوصی بیمه نیست و مقایسه بیمه در ایران با بیمه در کشورهای صنعتی جهان مولفه های لازم را ندارد و واقعیت ها را نشان نمی دهد.